

## تحلیل خطاهای زبان‌آموزان ایرانی در استفاده از حروف اضافهٔ فرانسه

محمدجواد کمالی\*

استادیار زبان فرانسه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، مشهد، ایران

پذیرش: ۹۲/۳/۴

دریافت: ۹۲/۱۱/۱۰

### چکیده

بروز «خطا» در فرآیند یادگیری زبان‌های خارجی، پدیده‌ای عادی و پیش‌بینی‌شدنی است. هر زبان‌آموز در حین آموزش زبان دوم، گاه در نتیجهٔ تداخل زبان مادری یا به‌دلیل بی‌اطلاعی از برخی قواعد و یا بر اثر گرت‌برداری از زبان بیگانهٔ دیگر، خطاهایی را بی‌آنکه خود متوجه باشد، به‌صورت نظام‌مند تکرار می‌کند. عدهٔ قابل توجهی از زبان‌آموزان ایرانی در جریان دوره‌های آموزشی زبان فرانسه در سطوح مختلف، در استفاده از حروف اضافهٔ بیش از سایر مقوله‌های زبانی دچار خطا می‌شوند. از آنجا که حروف اضافهٔ نقش مهمی در برقراری رابطهٔ میان دیگر اجزای کلامی ایفا می‌کنند، کاربرد غلط آن‌ها چالش‌هایی را برای زبان‌آموزان فراهم می‌آورد و خواه ناخواه، روند آموزش زبان را برای آن‌ها کند و پیچیده می‌کند. در تحقیق حاضر، کوشیدیم پربسامدترین خطاهای زبان‌آموزان ایرانی را در دو بخش «خطاهای بین‌زبانی» و «خطاهای درون‌زبانی»، بررسی و ریشه‌یابی کنیم و در هر بخش، نحوهٔ استفادهٔ درست از حروف اضافهٔ فرانسه را با رویکرد آموزشی به زبان ساده توضیح دهیم.

نتایج این پژوهش نشان می‌دهند که بیشترین موارد خطا در استفاده از حروف اضافه در وهلهٔ نخست ناشی از تأثیر منفی زبان مادری یا زبان انگلیسی است؛ زیرا زبان‌آموزان براساس دانشی که از زبان مادری خود یا زبان انگلیسی دارند، گرت‌برداری می‌کنند. همچنین، ممکن است زبان‌آموزان به‌دلیل آشنا نبودن با قواعد دستوری فرانسه، حرف اضافه‌ای را ندانسته به‌جای حرف اضافه‌ای دیگر به کار برند.

**واژگان کلیدی:** زبان فرانسه، حروف اضافه، خطاها، بین‌زبانی، درون‌زبانی.

دوماهنامهٔ جستارهای زبانی  
شمارهٔ (پیاپی ۲۵)، مهر و آبان ۱۳۹۴، صص ۲۲۹-۲۴۴



## ۱. مقدمه

همه زبان‌آموزان در جریان فراگیری زبان دوم در سطوح مختلف آموزشی، به تدریج با انبوهی از قواعد روبه‌رو می‌شوند. مطالعات و پژوهش‌های گوناگونی که تاکنون درباره روند آموختن زبان‌های خارجی انجام شده‌اند، نشان می‌دهند که بروز خطا در همه سطوح پدیده‌ای اجتناب‌ناپذیر و طبیعی است. از دیدگاه زبان‌شناسی، باید میان «خطا»<sup>۱</sup> و «اشتباه»<sup>۲</sup> فرق گذاشت. به نظر کورد (۱۳۸۲)، «خطا» ناشی از توانش انتقالی<sup>۳</sup> زبان‌آموز است؛ ولی «اشتباه» از کنش زبانی<sup>۴</sup> او و انحرافات تصادفی (مطابقت ندادن فعل با فاعل، صفت با موصوف و ...) یا لغزش‌های زبانی او بر اثر عوامل غیرزبانی (خستگی، فراموشی موقت و عدم تمرکز و ...) ناشی می‌شود. دمیرتاس (۲۰۰۹) «خطا» را نوعی انحراف نظام‌مند می‌داند که از بسامد رخداد بالایی برخوردار است و طبق قواعد خاص، بر اثر ناآگاهی و یا درک نادرست فرد از قوانین به‌طور مرتب تکرار می‌شود. نکته مهم دیگر این است که فرد در صورت خطا کردن، به‌تنهایی نمی‌تواند آن را تصحیح کند؛ ولی اشتباهاتش را می‌تواند شخصاً تصحیح کند (رحمتیان، ۲۰۰۵: ۱۱۰). از جمله خطاهای پربسامد در فرآیند آموزش زبان‌های خارجی که بر همین اساس باید همواره مورد توجه خاص قرار گیرد، استفاده نادرست از حروف اضافه است.

حرف اضافه وظیفه مهم برقراری پیوند میان کلمه‌های درون یک عبارت یا جمله را برعهده دارد؛ زیرا اصلی‌ترین عنصر سازنده متمم مفعولی باواسطه و عبارت حرف‌اضافه‌ای است و کمتر جمله‌ای یافت می‌شود که از حرف اضافه عاری باشد. با این حال، آموزش این جزء کلامی در کلاس‌های آموزشی و دوره‌های درسی زبان‌های خارجی، از جمله فرانسه، گاهی چنانکه باید مورد توجه مدرسان یا زبان‌آموزان قرار نمی‌گیرد و این کم‌توجهی سبب بروز خطاهای فاحش در گفتار و نوشتار می‌شود. البته برخی از زبان‌آموزان نیز به اشتباه بر این باورند که اگر اجزای درشت کلامی، نظیر اسم، صفت، فعل و قید را بشناسند و یا مثلاً صرف فعل را بلد باشند، دیگر با مشکلی مواجه نخواهند بود و با چنین پیش‌فرضی، به یادگیری اجزای کوچک کلامی، مانند حروف اضافه، اهمیت زیادی نمی‌دهند. هرچند امکان استفاده بیجا از حروف اضافه و بروز خطا در زبان مادری به دلایلی، از جمله برخورداری افراد از «شم زبانی»، بسیار کم است، در مورد زبان دوم معمولاً چنین نیست و استفاده غلط از بعضی حروف اضافه،

به‌ویژه حروف اضافه ساده که دارای ارزش‌ها و مفاهیم گوناگون هستند، درمیان زبان‌آموزان امری شایع است. بی‌شک چنانچه ارزش‌ها و مفاهیم دقیق حروف اضافه را به‌خوبی بشناسیم، احتمال بروز خطا بسیار کم می‌شود؛ ولی از آنجا که شناخت حروف اضافه در زبان‌های خارجی مانند فرانسه، «اکتسابی» است، بروز خطا امری اجتناب‌ناپذیر است.

خطاهای زبان‌آموزان بازخوردهای ارزشمندی هستند که از طریق آن‌ها می‌توانیم درباره نقاط ضعف آموزشی چاره‌اندیشی کنیم. با توجه به اینکه تحلیل این خطاها کمک شایانی به امر آموزش خواهد کرد، در این مقاله می‌کوشیم در دو بخش جداگانه، رایج‌ترین موارد بروز خطا در استفاده از حروف اضافه پرمصرف فرانسه، نظیر *à, après, avec, dans, de, en, par, pour*، را بررسی و تحلیل کنیم و پاسخی مدلل برای این پرسش بیابیم که دلیل بروز خطا چیست و برای پرهیز از آن‌ها از منظر معنایی یا نحوی چه راهکارهایی وجود دارد.

## ۲. روش تحقیق

میزان بروز خطا بر اثر استفاده نادرست از حروف اضافه فرانسه درمیان زبان‌آموزان متغیر است و تا حدود زیادی به میزان اطلاعات فردی آن‌ها بستگی دارد. ۴۵ نمونه خطای مورد استناد که در این پژوهش به روش توصیفی تجزیه و تحلیل شده‌اند، براساس پربسامدترین خطاهای رایج در نوشته‌های حدود پانصد زبان‌آموز که در دو مؤسسه آموزشی کانون زبان ایران شعبه مشهد و کالج زبان دانشگاه امام رضا (در سطوح A2/B1) و نیز دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد (در سطح کارشناسی) مشغول یادگیری زبان فرانسه بوده‌اند، در طی دو سال تحصیلی مشاهده و گردآوری شده است. ابزار گردآوری خطاها در این پژوهش، نوشته‌های زبان‌آموزان در چند موضوع معین و ترجمه تعدادی جمله مشخص از فارسی به فرانسه بوده است.

داده‌ها را به دو شیوه کیفی و کمی بررسی کردیم؛ ابتدا با تجزیه و تحلیل داده‌ها کیفیت خطاهای فراگیران را تعیین نمودیم و سپس پربسامدترین خطاها را از حیث کمیت مشخص کردیم. پس از مقایسه خطاها، مشخص کردیم که کدامیک از خطاها بیشتر تحت تأثیر زبان فارسی به‌عنوان زبان مادری و زبان انگلیسی به‌عنوان زبان دوم قرار داشتند.



شکل درست استفاده از حروف اضافه در مورد هر خطا را برپایه تعاریف مندرج در دو فرهنگ لغت Le Petit Robert (۲۰۱۲) و Lexis (۲۰۰۲)، کتاب جامع گرامر Le Bon Usage (۱۹۸۶) و منابع معتبر دیگر مشخص خواهیم کرد. روش بررسی حروف اضافه نیز برحسب موقعیت هریک در جمله، گاهی مبتنی بر ماهیت «رژیم» یا عنصر تابع<sup>۶</sup> خواهد بود و گاهی مبتنی بر نقش معنایی یا نحوی آن.

### ۳. خطاهای بین‌زبانی<sup>۷</sup>

از ویژگی‌های مراحل مقدماتی آموزش زبان دوم، انتقال بین‌زبانی است؛ به این معنی که چون زبان‌آموز در ابتدا هنوز با نظام زبان خارجی به‌خوبی آشنا نشده است، در فرآیند یادگیری، از زبان مادری خود کمک می‌گیرد. خطای بین‌زبانی که در انتقال منفی از زبان مادری ریشه دارد (براون، ۱۳۸۷: ۴۰۵)، درمقایسه با سایر خطاها بیشترین بسامد را دارد. ممکن است این‌گونه خطاها در تمامی سطوح، اعم از واجی، واژگانی، ساختاری و معنایی، از زبان مادری به زبان دوم انتقال یابند.

شمار قابل توجهی از زبان‌آموزان ایرانی در جمله‌پردازی‌های شفاهی و کتبی خود، بعضی از حروف اضافه فرانسسه را تحت تأثیر زبان مادری به‌صورت نادرست به‌کار می‌برند. این تأثیرپذیری که بیشتر به‌واسطه تداخل معنایی بروز می‌کند، چنانچه مورد آسیب‌شناسی قرار نگیرد، در وجود عده‌ای نهادینه می‌شود. خطاهای زبانی ناشی از تداخل معنایی حروف اضافه، به‌ویژه در فرآیند ترجمه از فارسی به فرانسسه، مشهودتر است.

#### ۳-۱. بروز خطا بر اثر تداخل معنایی فارسی

در میان کسانی که در خارج از محیط به یادگیری زبان دوم و از جمله فرانسسه روی می‌آورند، عده‌ای در مراحل اولیه آموزش، اعتقاد دارند که برای هر کلمه در زبان مادری، فقط یک معادل در زبان دوم وجود دارد؛ برای همین به نخستین معادل معنایی مشابه که به ذهنشان می‌رسد یا از طریق فرهنگ لغت جست‌جو می‌کنند، بسنده می‌نمایند. این عده باید بکوشند هرچه زودتر به مرحله‌ای ارتقاء سطح پیدا کنند که طی آن بتوانند تفاوت‌های ساختاری زبان مادری و زبان دوم را به‌راحتی تشخیص دهند.

در زیر، نمونه‌هایی از مهم‌ترین موارد بروز خطای بین‌زبانی را ارائه می‌کنیم که بر اثر تشابه معنایی دو حرف اضافه در زبان فارسی و زبان فرانسه مشاهده و بازنویسی شده‌اند:

**dans / de**

- او برای نخستین بار در زندگی خود دل‌باخته شده است.

1. a. \*Il aime pour la première fois *dans* sa vie.<sup>۱۰</sup>

b. Il aime pour la première fois *de* sa vie.

استفاده از حرف اضافه *dans* در مثال 1-a با توجه به ساختار جمله، خطا است؛ زیرا حرف اضافه *dans* براساس جنبه معنایی آن در زبان فارسی یا به قرینه لفظی به‌کار رفته است؛ درحالی که حرف اضافه *de* در جمله 1-b فقط دارای نقش نحوی است و در ساختار جمله فرانسه نقش معنایی ندارد.<sup>۱۱</sup>

**dans / sur**

- او تنها در بولوار [در میدان] قدم می‌زد.

2. a. \*Il marchait seul *dans* le boulevard [*dans* la place].

b. Il marchait seul *sur* le boulevard [*sur* la place].

قبل از اسامی مکان boulevard، place و chemin باید حرف اضافه *sur* را به‌کار برد؛ زیرا این اسامی به فضای بیرونی یا سطح<sup>۱۲</sup> اشاره دارند؛ درحالی که *dans* برای اسامی مکانی استفاده می‌شود که به فضای درونی یا حجم<sup>۱۳</sup> اشاره دارند (Lexis).

**dans / entre**

- پدر فرزندش را در آغوش می‌فشارد.

3. a. \*Le père serre son enfant *dans* les bras.

b. Le père serre son enfant *entre* les bras.

**après / dans**

- بانک سه ساعت بعد می‌بندد.

4. a. \*La banque ferme *après* trois heures.

b. La banque ferme *dans* trois heures.

حرف اضافه «بعد» در زبان فرانسه معادل‌های متعددی دارد که برحسب جمله تعیین می‌شوند. در جمله 4-a، استفاده از حرف اضافه *après* پیش از *trois heures* نادرست است؛ زیرا ابهام ایجاد می‌کند و «بعد از ساعت سه» معنی می‌دهد؛ اما حرف اضافه *dans* هرگاه پیش از زمان بیاید، معادل «بعد» یا ترجیحاً «دیگر» در فارسی است.

**de / à**

- او همیشه از پدر و مادرش اطاعت می‌کند.

5. a. \*Il obéit toujours *de* ses parents.  
b. Il obéit toujours *à* ses parents.

- این دفترها از آن چه کسی است؟ [این دفترها از آن چه کسانی است؟]

6. a. \*Ces cahiers sont *de* qui ?  
b. Ces cahiers sont *à* qui ?

تداخل معنایی حرف اضافه «از» که در زبان فارسی برای ساخت متمم مفعولی بعضی افعال به‌کار می‌رود، سبب بروز خطا در جمله‌های 5-a و 6-a شده است. باید توجه کنیم که متمم باواسطهٔ افعالی نظیر être, obéir, renoncer, prier, demander, s'intéresser و se plaire با حرف اضافهٔ *à* ساخته می‌شود (Lexis).

**pour / à**

- من کتابی برای خواندن می‌خواهم.

7. a. \*Je voudrais un livre *pour* lire.  
b. Je voudrais un livre *à* lire.

برای تعیین ویژگی یا مورد مصرف اسامی، حرف اضافهٔ *à* بین اسم و مصدر به‌کار می‌رود. در چنین مواردی، حرف اضافهٔ *à* و عنصر تابع آن نقش صفت برای اسم قبل از خود خواهند داشت. بر این اساس، بهتر است به‌جای جملهٔ فارسی بالا بگوییم: «من یک کتاب خواندنی می‌خواهم».

- او دوستانش را برای شام [خوردن] به رستوران دعوت کرد.

8. a. \*Il a invité ses amis *pour* dîner au restaurant.  
b. Il a invité ses amis *à* dîner au restaurant.

اگرچه حرف اضافهٔ *pour* برای بیان هدف پیش از مصدر به‌کار می‌رود، استفاده از آن در جملهٔ 8-a غلط است؛ زیرا در ساختار نحوی فعل (inviter+qqn+à+inf.) جایی ندارد.

**pour / de**

- من از شما درخواست می‌کنم [تا] به این بچه‌ها یاری رسانید.

9. a. \*Je vous demande *pour* aider ces enfants.  
b. Je vous demande *d'*aider ces enfants.

استفاده از حرف اضافهٔ *pour* به‌جای *à* و *de* یکی از شایع‌ترین خطاها در میان زبان‌آموزان فرانسه است. برای پرهیز از این خطا، بهتر است به‌جای نقش معنایی حرف اضافه، به نقش نحوی آن در جملهٔ فرانسه توجه کنیم. بیش از دوسوم متمم‌های وابسته به گروه فعلی در زبان

فرانسه با حرف اضافه *à* یا *de* شروع می‌شوند (Grevisse, 1986 : 415) و حرف اضافه *pour* از این نظر کاربرد چندانی در این زبان ندارد. جمله‌های *a-7*، *a-8* و *a-9* نیز گواه همین خطا هستند.

**avec / de**

- او یا سر علامت داد.

10. a. \*Il a fait signe *avec* la tête.

b. Il a fait signe *de* la tête.

بعد از فعل *faire signe* همیشه باید از حرف اضافه *de* استفاده کنیم و حرف اضافه *avec* با این فعل به کار نمی‌رود.

**avec / en**

- او ترجیح می‌دهد با قطار سفر کند.

11. a. [\*] Il préfère voyager *avec* le train.

b. Il préfère voyager *en* train.

حرف اضافه *en* همیشه پیش از اسامی وسایل نقلیه موتوری نظیر *avion*، *bateau*، *moto*، *voiture* و ... به کار می‌رود؛ به شرطی که این اسامی همراه با افعالی بیایند که بر جابه‌جایی انسان دلالت داشته باشند.

**avec / par**

- او بسته‌اش را با قطار ارسال کرد.

12. a. \*Il a expédié son colis *avec* le train.

b. Il a expédié son colis *par* le train.

چنانچه وسایل نقلیه موتوری نظیر *avion*، *bateau*، *moto*، *voiture* و ... به جابه‌جایی غیرانسان اشاره داشته باشند، باید حرف اضافه *par* را به کار ببریم.

**de / sur**

- او از درخت بالا رفت.

13. a. \* Il est monté *de* l'arbre.

b. Il est monté *sur* l'arbre.

همراه با فعل *monter*، حرف اضافه *sur* و گاهی برحسب مفهوم *à* یا *dans* (به‌ندرت *en*) به کار می‌رود.

**sur / par**

- او [روی] زمین افتاد.

14. a. \*Elle est tombée *sur* la terre.

b. Elle est tombée *par* terre.

**dans / par**

- [در] یک روز زیبای بهاری، عازم پاریس شد.

15. a. \**Dans un beau jour d'été, il est parti pour Paris.*  
 b. *Par un beau jour d'été, il est parti pour Paris.*

پیش از اسمی که موقعیت مکانی یا محل واقعه‌ای (14-b) و یا طول مدت زمان وقوع آن را (15-b) نشان دهد، معمولاً باید از حرف اضافهٔ par استفاده شود (Lexis).

**۳-۲. بروز خطا بر اثر ساختار نحوی**

ساختار نحوی زبان فارسی به‌گونه‌ای است که نمی‌توانیم اجزای تشکیل‌دهندهٔ آن را عیناً به فرانسه برگردانیم. برای این منظور، به‌جای ترجمهٔ کلمه‌به‌کلمه از فارسی به فرانسه، باید ترجمهٔ یکپارچهٔ جمله از طریق جایگزینی ساختاری را انجام دهیم. هرگاه از رعایت قواعد دستوری فرانسه غافل شویم، شاهد بروز خطای ساختاری درمیان زبان‌آموزان ایرانی خواهیم بود.

**۳-۲-۱. خطا در استفاده از حرف اضافه به‌جای حرف ربط**

- معلم دانش‌آموزان را برای موفقیت در امتحان آماده می‌کند.

16. a. \* *Le professeur prépare les élèves pour réussir au bac.*<sup>12</sup>  
 b. *Le professeur prépare les élèves pour qu'ils réussissent au bac.*

- پیرزن از ترس اینکه مبادا سرما بخورد، جرئت بیرون رفتن نداشت.

17. a. \* *La vieille femme n'osait pas sortir de peur qu'elle prenne froid.*  
 b. *La vieille femme n'osait pas sortir de peur de prendre froid.*

استفاده از حرف ربط در جمله‌های 16-a و 17-a به این دلیل خطا است که فاعل جملهٔ پایه و پیرو یکسان است. معمولاً حروف ربط فرانسه را زمانی پیش از وجه التزامی می‌توانیم بیاوریم که فاعل جملهٔ التزامی متفاوت با فاعل جملهٔ پایه باشد.

**۳-۲-۲. خطا در استفاده از گروه حرف اضافه‌ای به‌جای قید ساده**

- زباله [در] همه جا هست.

18. a. \* *Il y a des ordures dans toutes les places.*  
 b. *Il y a des ordures partout.*



## ۳-۲-۳. خطا در حذف حرف اضافه

موارد حذف حرف اضافه در زبان فرانسه تابع قواعد خاصی است که ذکر آن‌ها خارج از موضوع این مقاله است.<sup>۱۳</sup> در جمله‌های زیر، موارد حذف به این قواعد ربطی ندارند و فقط تحت تأثیر زبان فارسی هستند.

Ø / à

- او توپ‌بازی می‌کند.

19. a. \* Il joue Ø le ballon.

b. Il joue *au* ballon.

فعل jouer در مفهوم «بازی کردن» با متمم مفعولی که با حرف اضافه à شروع می‌شود (19-b) و در مفهوم «نواختن» با متمم مفعولی که حرف اضافه de در آغاز آن می‌آید، به‌کار می‌رود؛ ولی در فارسی ترجیح داده می‌شود به‌جای عبارتهایی از قبیل «با توپ بازی کردن» و «با عروسک بازی کردن»، عبارتهای «توپ‌بازی کردن» و «عروسک‌بازی کردن» به‌کار روند و همین مسئله گاهی باعث بروز خطا در میان زبان‌آموزان می‌شود.

- او سعی می‌کند جواب را حدس بزند.

20. a. \* Il cherche Ø deviner la réponse.

b. Il cherche *à* deviner la réponse.

بعضی از افعال متعدی فرانسه، مانند chercher, apprendre, avoir و commencer، چنانچه قبل از اسم واقع شوند، به حرف اضافه نیازی ندارند؛ ولی چنانچه پیش از مصدر بیایند (20-b)، به حرف اضافه à نیاز دارند (Grevisse, 1986: 1326).

Ø / de

- او فراموش کرد نان بخرد.

21. a. \* Il a oublié Ø prendre du pain.

b. Il a oublié *de* prendre du pain.

دسته‌ای از افعال متعدی فرانسه، مانند oublier, accepter, refuser و finir، چنانچه قبل از اسم بیایند، مانند معادل‌های فارسی خود (فراموش کردن، پذیرفتن، رد کردن و تمام کردن) به حرف اضافه نیازی ندارند؛ ولی چنانچه پیش از مصدر واقع شوند (21-b)، نیازمند حرف اضافه de می‌شوند (Grevisse, 1986: 1323).



## ۳-۲-۴. خطا در عدم تکرار حرف اضافه

Ø / de

- او از تنگدستی و بیماری رنج می‌برد.

22. a. \* Il souffre *de* la pauvreté et Ø la maladie.  
b. Il souffre *de* la pauvreté et *de* la maladie.

حروف اضافه *de* (همچنین *à* و *en*) معمولاً جلوی رژیم یا عنصر تابع خود تکرار می‌شوند؛ مگر اینکه عناصر تابع مجموعاً بر اندیشه‌ای واحد دلالت داشته باشند (Grevisse, 1986: 1512).

## ۳-۲-۵. خطا در افزایش حرف اضافه

Ø à /

- او سرانجام به هدفش رسید.

23. a. \* Il a enfin atteint *à* son but.  
b. Il a enfin atteint son but.

فعل متعدی *atteindre* برخلاف فعل *arriver* که مترادف آن است، در زبان متداول به مفعول با واسطه نیاز ندارد؛ بنابراین، استفاده از حرف اضافه *à* بعد از آن خطا است (Grevisse, 1986: 419). این قضیه در مورد افعالی مانند *écouter*، *insulte* و *aider* نیز صادق است.

- او رفته است به دوستش کمک کند.

24. a. \* Il est allé *aider à* son ami.<sup>14</sup>  
b. Il est allé *aider* son ami.

امروزه کاربرد حرف اضافه *à* بعد از فعل *aider* جز در ساختار [*aider+qqn+à+ inf.*] دیگر رایج نیست (Ibid, 418). مانند نمونه زیر:

- او رفته است به دوستش کمک کند تا نامه‌ای بنویسد.

- c. Il est allé *aider* son ami *à* écrire une lettre.

Ø de /

- او از مرگ نمی‌هراسید.

25. a. \* Il ne craignait pas *de* la mort.  
b. Il ne craignait pas la mort. [Il n'avait pas *de* la mort.]

- او می‌ترسید خبر بدی بشنود.

c. Il craignait d'apprendre une mauvaise nouvelle. [Il avait peur d'apprendre une mauvaise nouvelle.]

فعل متعدی *craindre* چنانچه مقدم بر اسم بیاید (25-b)، بدون حرف اضافه *de* و چنانچه مقدم بر مصدر بیاید (25-c)، همراه با حرف اضافه *de* به کار می‌رود. فعل *avoir peur* که مترادف آن است، در هردو صورت همراه با *de* به کار می‌رود.

#### Ø pour /

- او رفته است [تا] به دوستش کمک کند [او برای کمک کردن به دوستش رفته است].

26. a. [\*] Il est allé *pour* aider son ami.

b. Il est allé aider son ami.

در جمله 26-a، آوردن حرف اضافه *pour* بعد از فعل *aller* مناسب نیست؛ زیرا این حرف اضافه بعد از فعل‌هایی که بر حرکت دلالت می‌کنند، معمولاً حذف می‌شود (Grevisse, 1986: 1335). مقایسه ساختار دو جمله زیر دلیل حذف حرف اضافه را بهتر نشان می‌دهد:

- او به فرانسه آمده است [تا] تحصیلاتش را ادامه بدهد [او برای ادامه تحصیل به فرانسه آمده است].

27. a. [\*] Il est venu en France *pour* continuer ses études.

b. Il est venu continuer ses études en France.

### ۳-۳. بروز خطا بر اثر تداخل معنایی انگلیسی

بیشتر کسانی که به یادگیری زبان فرانسه (زبان سوم) روی می‌آورند، معمولاً پیش‌تر با زبان انگلیسی (زبان دوم) آشنا شده‌اند و کم‌وبیش با ساختارها و ویژگی‌های خاص آن زبان انس گرفته‌اند. تأثیرپذیری از زبان انگلیسی یکی از دلایل اصلی بروز خطا در استفاده از حروف اضافه فرانسه در سطح جهان است (Dagenais, 1984: 68)؛ زیرا کسانی که زیاد تحت تأثیر زبان انگلیسی هستند، گاهی به‌طور ناخودآگاه، از این زبان گرته‌برداری<sup>۱۰</sup> می‌کنند و معادل معنایی حروف اضافه انگلیسی را در جمله فرانسه به کار می‌برند (Colpron, 1994: 132). این تأثیر منفی گاه و بی‌گاه در لابه‌لای نوشته‌های زبان‌آموزان ایرانی نیز دیده می‌شود.

#### par / sur

28. a. \* La chambre mesure 4 mètres de long *par* 3 mètres de large.

b. La chambre mesure 4 mètres de long *sur* 3 mètres de large.

[The room measures 4 meters long *by* 3 meters wide.]

- اتاق ۴ متر طول و ۳ متر عرض دارد.

حرف اضافه *par* را می‌توانیم برای بیان توزیع و تقسیم‌بندی، مقدم بر عدد بیاوریم؛ ولی



نمی‌توانیم از آن برای تعیین اندازه و ابعاد استفاده کنیم.

**dans / sur**

29. a. \* La clé est *dans* la porte.  
 b. La clé est *sur* la porte.  
 [The key is in the door.]

- کلید توی در است.

**sur / dans**

30. a. \*Il marchait seul *sur* la rue [*sur* l'avenue].  
 b. Il marchait seul *dans* la rue [*dans* l'avenue].  
 [He was walking alone on the street.]

- او تنها در کوچه [در خیابان] قدم می‌زد.

با اینکه عبارت *in the street* در انگلیسی نیز رایج است، علت بروز این خطا در میان زبان‌آموزان فرانسه گشته‌برداری از عبارت *on the street* است (Colpron, 1994: 145).

**pour / Ø**

31. a. \* Il attend *pour* un taxi sous la pluie.  
 b. Il attend un taxi sous la pluie.  
 [He waits for a taxi in the rain.]

- او زیر باران منتظر تاکسی است.

فعل *attendre*، مانند معادل فارسی آن، فقط مفعول بی‌واسطه می‌پذیرد؛ با این حال، افزایش نادرست حرف اضافه *pour* بعد از فعل *attendre*، به تأثیر از ساختار فعل *wait for*، در زبان انگلیسی کم‌وبیش شایع است. این خطا در مورد فعل *chercher* [search for / look for] نیز گاهی دیده می‌شود.

#### ۴. خطاهای درون‌زبانی<sup>۱۶</sup>

ریشه مشکلات یادگیری زبان دوم را نباید فقط در تفاوت‌های زبانی میان زبان مادری و زبان دوم جست‌وجو کنیم. تشابهات معنایی واژگان و پیچیدگی‌های ساختاری زبان دوم، مانند موارد کاربرد وجوه و زمان‌ها، تشابهات معنایی کلمه‌ها و ...، سبب بروز خطاهای درون‌زبانی در میان زبان‌آموزان می‌شود. منظور از خطاهای درون‌زبانی، خطاهای اجتناب‌ناپذیر ناشی از انتقال منفی در زبان دوم بر اثر تعمیم نادرست قواعد آن است. با افزایش آشنایی زبان‌آموزان با ساختارها و قواعد زبان دوم، از میزان خطاهای بین‌زبانی کاسته می‌شود و در عوض میزان

خطاهای درون‌زبانی افزایش می‌یابد. بدیهی است که تحلیل خطاهای درون‌زبانی به‌دلیل گستردگی دامنه آن، کار ساده‌ای نیست.

تشابه معنایی بین دو حرف اضافه فرانسوی از جمله مواردی است که در میان زبان‌آموزان به بروز خطاهای درون‌زبانی منجر می‌شود؛ زیرا در مواردی می‌توان برخی از حروف اضافه ساده فرانسوی را که تشابهات معنایی دارند، به‌جای هم به‌کار برد و در مواردی دیگر، این جایگزینی ممکن نیست و خطا محسوب می‌شود. برونو معتقد است که دامنه معنایی خیلی از حروف اضافه ساده در زبان فرانسوی به‌مرور زمان محدود و محدودتر شده است و نشناختن دقیق ارزش‌های کنونی آن‌ها به بروز خطا منجر می‌شود (Brunot, 2003: 18).

#### ۱-۴. بروز خطا بر اثر تشابه معنایی

##### de / à

32. a. \*Elle s'est acheté une brosse de dents.  
b. Elle s'est acheté une brosse à dents.

- او [یک] مسواک برای خودش خرید.

با اینکه در بسیاری از ترکیبات اضافی فرانسوی حرف اضافه de میان دو اسم به‌کار می‌رود (کمالی، ۱۳۸۹: ۱۱۴)، چنانچه ویژگی یا مورد مصرف اسمی مطمح نظر باشد، از حرف اضافه à پیش از عنصر تابع آن اسم استفاده می‌شود (همان، ۲۵). به این ترتیب، همواره باید دقت کنیم؛ زیرا اگر بتوانیم حرف اضافه de را در چنین ترکیباتی جایگزین à کنیم، مفهوم آن دستخوش تغییر می‌شود؛ مانند نمونه‌های زیر:

un coffret à bijoux	صندوقچه [ویژه] جواهرات
un coffret de bijoux	صندوقچه [محتوی] جواهرات
une tasse à café	فنجان [ویژه] قهوه‌خوری
une tasse de café	فنجان [محتوی] قهوه

33. a. \*Il s'est essayé de parler en public.  
b. Il s'est essayé à parler en public.

- او تلاش کرد در ملاء عام حرف بزند.

افعالی مانند *essayer*، *offrir*، *risquer* و *refuser* با حرف اضافه de پیش از مصدر به‌کار می‌روند؛ اما اگر همین افعال به‌صورت دوضمیره بیایند، باید حرف اضافه à را جایگزین de کرد



(Requédat, 1981 : 24- 27).

**dans / à**

34. a. [\*] Aujourd' hui chacun a une télévision *dans* la maison.  
 b. Aujourd' hui chacun a une télévision *à* la maison.

- امروز هرکسی در خانه تلویزیون دارد.

35. a. [\*] Ne parlez pas à haute voix *dans* l'hôpital.  
 b. Ne parlez pas à haute voix *à* l'hôpital.

- در بیمارستان با صدای بلند صحبت نکنید.

تعیین حد و مرز معنایی میان دو حرف اضافه *à* و *dans* بسیار ظریف است. بنابر نظر بوریلو، حرف اضافه *à* برای فضای مکانی دویعدی و حرف اضافه *dans* برای فضای مکانی سه‌بعدی به‌کار می‌روند (Borillo, 1998: 69). اوا کاتز از دو اصطلاح نمای بیرونی و نمای درونی برای بیان همین منظور استفاده می‌کند (Katz, 2002: 41); بنابراین، اگر مکانی خاص و ازپیش‌معلوم مورد نظر نباشد، کاربرد حرف اضافه *dans* از لحاظ معنایی جایز نیست.

در هر صورت، ساختار نحوی جمله‌هایی نظیر *a-35* غلط نیست؛ اما چنانکه گفتیم، برداشت معنایی از آن‌ها متفاوت است. به معنی دقیق و در عین حال ظریف دو جمله زیر توجه کنید:

- 36 a. Jacques est *dans* le bureau.

- ژاک در دفتر کار خود [و نه در دفتر مدیر یا کافه تریا] است.

- b. Jacques est *au* bureau.

- ژاک در اداره [در دفتر کار خود یا هر اتاق دیگر اداره و یا حتی در مأموریت بیرون از

اداره] است.

**dans / Ø**

- امیدوارم امسال امتحانات را با موفقیت انجام بدهی.

37. a. [\*] J'espère que cette année tu vas réussir *dans* tes examens.  
 b. J'espère que cette année tu vas réussir tes examens.

فعل *réussir* اگر به مفهوم «کاری را با موفقیت انجام دادن» یا «کاری را به‌خوبی و خوشی به پایان رساندن» باشد، چنانکه در جمله *b-37* می‌بینیم، معمولاً مفعول بی‌واسطه می‌پذیرد؛ اما اگر به مفهوم «در کاری موفق بودن» یا «در کاری خوب عمل کردن» باشد، می‌تواند همراه با حرف اضافه *dans* به‌کار رود. البته چنانچه عنصر تابع این فعل مصدر باشد، همیشه به حرف اضافه *à* احتیاج است (Le Petit Robert).

38. a. J'espère que tu réussis *dans* la vie.

- امیدوارم در زندگی موفق باشی.

b. J'espère que tu réussiras à convaincre tes parents.

- امیدوارم در متقاعد کردن پدر و مادر تو موفق باشی [امیدوارم بتوانی پدر و مادر تو را متقاعد کنی].

### à / en

39. a. \*Il habite à la France.

b. Il habite en France.

- او [در] فرانسه زندگی می‌کند.

از حرف اضافه *à* باید قبل از اسامی کشورهای مذکری که با حرف بی‌صدا شروع می‌شوند (همراه با حرف تعریف) و نیز قبل از اسامی شهرها (در بیشتر موارد بدون حرف تعریف) استفاده کنیم؛ اما حرف اضافه *en* را فقط باید پیش از اسامی کشورهای مؤنث و اسامی کشورهای مذکری که با حرف صدادار شروع می‌شوند (همیشه بدون حرف تعریف) به کار ببریم.

### en / dans

40. a. [\*] J'ai rencontré Sylvie en train.

b. J'ai rencontré Sylvie dans le train.

- من در قطار با سیلوی مواجه شدم.

معمولاً پیش از اسامی وسایل نقلیه، از حرف اضافه *en* (مثال 11-b) و در مواردی *par* (مثال 12-b) استفاده می‌شود؛ اما امروزه چنانچه وسایل نقلیه بر مکان (نه جابه‌جایی) دلالت داشته باشند، حرف اضافه *dans* قبل از آن‌ها به کار می‌رود (مثال 40-b). ناگفته نماند که دو حرف اضافه *en* و *dans* در زبان قدیم فرانسه مترادف یکدیگر بودند و به جای هم به کار می‌رفتند (Gougenheim, 1994: 166).

### par / de

41. a. \*La façade est ornée par les drapeaux.

b. La façade est ornée de drapeaux.

- نمای ساختمان با پرچم‌ها تزئین شده است.

c. La façade est ornée de drapeaux par les ouvriers.

- نمای ساختمان توسط کارگران با پرچم‌ها تزئین شده است. / کارگران نمای ساختمان را با پرچم‌ها تزئین کرده‌اند.

با اینکه فعل جمله 41-a مجهول است، استفاده از حرف اضافه *par* برای ساخت متمم عامل



در چنین جمله‌ای غلط است. هرگاه مفهوم فعل مجهول بر «حالت» یا «احساس» دلالت کند و اسم مفعول آن ارزش صفت داشته باشد، حرف اضافه *de* در آغاز متمم عامل به‌کار می‌رود. در جمله 41-c استفاده از حرف اضافه *par* به این دلیل امکان‌پذیر است که در آغاز دومین متمم عامل جمله (عامل اصلی انجام عمل فعل) واقع شده است (کمالی، ۱۳۸۳: ۷۷).

#### avec / par

42. a. \*C'est avec cette présentation que prend fin la conférence.  
b. C'est par cette présentation que prend fin la conférence.

- با این نمایش کنفرانس پایان می‌یابد.

اگرچه دو حرف اضافه *avec* و *par* در بیشتر موارد ارزش‌های مشابهی دارند، کمتر می‌توانیم آن‌ها را به‌جای هم به‌کار ببریم. استفاده از حرف اضافه *avec* در جمله 42-a به این دلیل خطا است که نمی‌توانیم آن را همراه با فعل *prend fin* بیاوریم. باید برای افعال از قبیل *finir*, *prendre fin*, *se terminer*, *s'expliquer*, *remplacer*, *compléter* و *commencer*، از حرف اضافه *par* استفاده کنیم. البته این خطا می‌تواند ریشه بین‌زبانی نیز داشته باشد؛ چون *par* و *avec* برای زبان‌آموزان فارسی‌زبان به‌عنوان معادلی برای حرف اضافه «با» و مترادف با یکدیگر تلقی می‌شوند.

#### à cause de / grâce à

43. a. \*C'est à cause de ton aide qu'il a pu y parvenir.  
b. C'est grâce à ton aide qu'il a pu y parvenir.

- او به لطف کمک تو توانست موفق شود.

هرگاه نتیجه یک علت خوشحال‌کننده و مثبت باشد، معمولاً از حرف اضافه *grâce à* استفاده می‌شود (Le Petit Robert) و حرف اضافه *à cause de* را باید برای بیان علت در سایر موارد به‌کار برد.

#### entre / parmi

44. a. [\*] Venez vous asseoir entre nous.  
b. Venez vous asseoir parmi nous.

- بیایید دربین ما [در جمع ما] بنشینید.

- c. Entre nous, je n'aime pas beaucoup ce plat de légumes.

- بین خودمان بماند، خیلی این خوراک سبزی را دوست ندارم.

حرف اضافه *entre* هم به‌معنی «بین دو نفر یا دو چیز» است و هم اگر پیش از اسم جمع بیاید، به‌معنی «بین چند نفر یا چند چیز» و مترادف *parmi* است. این حرف اضافه چنانچه همراه با ضمیر *nous* بیاید، معمولاً مفهومی متفاوت با *parmi nous* دارد و «بین خودمان بماند» معنی



می‌دهد. برعکس، اصطلاح *entre nous* در جمله 44-c با توجه به آنچه گفته شد، اشتباه نیست (Lexis).

#### ۲-۴. خطا در افزایش حرف تعریف بعد از حرف اضافه

45. a. [\*] *Beaucoup des gens préfèrent vivre dans les grandes villes.*

b. *Beaucoup de gens préfèrent vivre dans les grandes villes.*

- بسیاری از افراد ترجیح می‌دهند در شهرهای بزرگ زندگی کنند.

*des* در جمله 45-a شکل ادغام‌شده حرف اضافه *de* و حرف تعریف *les* است. حرف اضافه *de* چنانچه بعد از قید مقدار یا اسمی به‌کار رود که بر مقدار دلالت داشته باشد، هرگز حرف تعریف نمی‌پذیرد. این خطا که به احتمال قوی ناشی از تشابه ظاهری است، درمیان خیلی از زبان‌آموزان ایرانی، به‌ویژه در سطح مبتدی، شایع است.

#### ۵. نتیجه‌گیری

در این مقاله، با استناد به ۴۵ نمونه‌ای که آوردیم، مهم‌ترین موارد بروز خطاها در استفاده از حروف اضافه را که به‌ویژه درمیان زبان‌آموزان ایرانی به‌طور معمول رواج دارد، بررسی و تحلیل کردیم. این بررسی را براساس ماهیت «رژیم» یا عنصر تابع حروف اضافه و نیز نقش معنایی یا نحوی آن‌ها، در سه بخش مستقل انجام دادیم. بیشترین موارد خطا در استفاده از حروف اضافه در وهله نخست ناشی از تأثیر منفی زبان مادری یا زبان انگلیسی است (۵۸ درصد)؛ زیرا زبان‌آموز براساس دانشی که از زبان مادری خود یا زبان انگلیسی دارد، گرت‌برداری می‌کند. در وهله دوم آشنا نبودن زبان‌آموز با قواعد دستوری فرانسه سبب می‌شود حرف اضافه‌ای را ندانسته به‌جای حرف اضافه‌ای دیگر به‌کار برد (۴۲ درصد). از آنجا که زبان‌آموزان نمی‌توانند خطاهایشان را تشخیص بدهند و برطرف کنند، برای پیشبرد اهداف آموزشی، درطول مقاله راهکارهایی را برای پرهیز از این نوع خطاها تا حد ممکن، ارائه کردیم. درمجموع نتیجه گرفتیم که زبان‌آموزان تا هنگامی‌که به برابری ترجمه‌ای یا تشابهات معنایی حروف اضافه توسل جویند و همه ارزش‌های حروف اضافه فرانسه را نشناسند یا برای رفع ابهام به کتاب‌های معتبر رجوع نکنند، همواره دچار خطا خواهند شد و در این زمینه، تسلط کافی



نخواهند یافت.

با توجه به نمونه خطاهایی که بررسی کردیم، به‌طور خلاصه توصیه‌های کلی زیر را به زبان‌آموزان ارائه می‌کنیم:

۱. هر فعل مهم را همراه با حرف اضافهٔ مربوط به آن و به‌طور هم‌زمان بیاموزند.
۲. هرگاه با فعلی مواجه می‌شوند که حرف اضافهٔ وابسته به آن را واقعاً نمی‌شناسند، با صبر و شکیبایی به فرهنگ لغت یا منابع مناسب دیگر مراجعه و از بروز خطا پیشگیری کنند.
۳. برای یادگیری اصولی تعدادی از حروف اضافهٔ ساده ولی پربسامد که دارای ارزش‌ها و مفاهیم متعددی هستند، همواره بکوشند موارد کاربرد آن‌ها را به ذهن بسپارند.
۴. به تفاوت‌های کارکردی میان حروف اضافهٔ فارسی، فرانسه و احیاناً انگلیسی و تغییرات معنایی آن‌ها به‌طور خاص توجه کنند.

## ۶. پی‌نوشت‌ها

1. error
2. mistake
3. transitional competence
4. linguistic performance
5. feed back
۶. منظور از عنصر تابع حرف اضافه یا «رژیم» (régime) کلمه یا عبارتی است که بعد از حرف اضافه می‌آید (کمالی، ۱۳۸۹: ۸).
7. interlingual errors
۸. جمله‌هایی که از نظر دستوری اشتباه هستند، با نشانهٔ \* مشخص می‌شوند.
۹. البته ممکن است این جملهٔ اشتباه از تأثیر ترجمهٔ ذهنی زبان‌آموز از زبان انگلیسی به‌عنوان زبان خارجی اول نیز ناشی شده باشد: (She has fallen in love for the first time in her life.)
10. Surface
11. Volume
۱۲. البته این جملهٔ اشتباه می‌تواند حاصل ترجمهٔ ذهنی زبان‌آموز در زبان فارسی نیز باشد.
۱۳. برای آگاهی از این قواعد، ر.ک: کمالی، ۱۳۸۹: ۱۱-۱۵.
۱۴. این جملهٔ اشتباه نیز ممکن است حاصل ترجمهٔ ذهنی زبان‌آموز در زبان فارسی باشد.
15. calque
16. Intralingual errors

## ۷. منابع

- براون، داگلاس (۱۳۸۷). *اصول یادگیری و آموزش زبان*. ترجمه منصور فهیم، تهران: رهنما.
- کمالی، محمدجواد (۱۳۸۳). *دستور زبان فرانسه: فعل*. تهران: سمت.
- ----- (۱۳۸۹). *فرهنگ کاربردی حروف اضافه فرانسه*. مشهد: انتشارات سخن‌گستر و معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی.
- کورد، استیون پیت (۱۳۸۲). *تجزیه و تحلیل خط و زبان بینابین*. ترجمه علی بهرامی. تهران: رهنما.
- Borillo, A. (1998). *L'espace et Son Expression en Français*. Paris : Ophrys.
- Brunot, F. (2003). *La pensée et la Langue*. (4<sup>e</sup> éd. Revue). Paris : Masson.
- Colpron, G. (1994). *Le Colpron : Le Nouveau Dictionnaire des Anglicismes*. Laval : Éditions Beauchemin.
- Dagenais, G. (1984). *Dictionnaire des Difficultés de la Langue Française au Canada*. (4<sup>e</sup> édition refondue et mise à jour). Laval : Éditions Beauchemin.
- Demirtas, L. et al. (2009). "De la faute à l'erreur: Une pédagogie alternative pour améliorer la production écrite en FLE". Université de Marmara. *Synergies Turquie*. No. 2. Pp. 125- 138.
- Dubois, J. et al. (2002). *Dictionnaire de la Langue Française, Lexis*. Paris: Larousse.
- Gougenheim, G. (1994). *Grammaire de la Langue Française du 16<sup>e</sup> Siècle*. Paris: Picard.
- Grevisse, M. (1986). *Le Bon Usage: Grammaire Française* (12<sup>e</sup> édition refondue par André Goosse). Paris: Éditions Duculot.
- Katz, E. (2002). "Sémantique de la triade spatiale à, en, dans". *TL*. 44. pp 35- 49.
- Pechoin, D. et al. (1998). *Dictionnaire des Difficultés du Français D'aujourd'hui*. Coll. Expression. Paris: Larousse.
- Rahmatian, R. et al. (2005). "L'erreur, un facteur de dynamisme dans les processus d'apprentissage des langues étrangères". *Plume*. 1<sup>ère</sup> année. n<sup>o</sup> 2. pp 105- 123.



- Redéqat, F. (1981). *Les constructions verbales avec l'infinitif*. Paris : Hachette.
- Robert, P. et al. (2012). *Le nouveau petit Robert*. Paris: Éditions Le Robert, version numérique.

### References:

- Brown, D. (2009). *Principles of Language Learning and Teaching*. Translated by: Mansoor Fahim. Tehran: Rahnama [In Persian].
- Brunot, F. (2003). *Thought and Language (4<sup>th</sup> ed. Review)*. Paris: Masson [In French].
- Colpron, G. (1994). *The Colpron: The new Dictionary of Anglicism*. Laval: Beauchemin [In French].
- Corder, S.-P. (2003). *Error Analysis and Interlanguage*. Translated by: Ali Bahrami. Tehran: Rahnama [In Persian].
- Dagenais, G. (1998) *Dictionary of the Difficulties of the French Language in Canada*. (4<sup>th</sup> Edition revised and updated). Laval: Beauchemin [In French].
- Demirtas, L. (2009) "From mistake to error: an alternative pedagogy to improve written in FLE Production", Marmara University. *Synergies Turquie*. No. 2. pp. 125-138 [In French].
- Dubois, J. (2002). *Dictionary of the French language. LEXIS*. Paris: Larousse [In French].
- Gougenheim, G. (1994). *Grammar of the French Language in the 16<sup>th</sup> Century*. Paris: Picard [In French].
- Grevisse, M. (1986). *Le bon Usage: French Grammar* (12<sup>th</sup> edition revised by André Goosse). Paris: Duculot [In French].
- Kamali, M.-J. (2004). *French grammar: Verb*. Tehran: SAMT [In Persian].
- ----- (2010). *Practical Dictionary of French Prepositions*. Mashhad: Azad University Press [In Persian].

- Katz, E. (2002). "Semantics of Spatial Triad *à, en, dans*". *TL* 44. pp. 35-49 [In French].
- Pechoin, D. (1998). *Dictionary of the Difficulties of today French*. Coll. Expression. Paris: Larousse [In French].
- Rahmatian, R. (2005) " The error, a dynamic factor in the process of learning foreign languages . *Plume*. 2. 1<sup>st</sup> year. pp. 105-123. [In French].
- Réquédât, F. (1981). *Verbal Constructions with the Infinitive*. Paris: Hachette [In French].
- Robert, P. (2012). *The New Petit Robert Dictionary*. Paris: Le Robert, Digital Version [In French].